

نقد و بررسی کتاب «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت»

حسن احمدی‌زاده^۱

چکیده:

پژوهش‌های تطبیقی در حوزه‌ی کلام و الهیات، همواره از اهمیت روش‌شناسانه‌ی خاصی برخوردار بوده‌اند. توجه به روش‌ها و مفاهیم فلسفی و کلامی به کار رفته در دفاع متکلمان از عقاید و مبانی دینی خود، از مهم‌ترین دغدغه‌های پژوهش‌گران در این حوزه می‌باشد. انتخاب کلام اسلامی و مسیحی برای انجام پژوهشی تطبیقی در خصوص تفکر دینی‌شان، امری است که لوئی گارده و ژرژ قنواتی در کتاب «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت»، مورد توجه قرار داده‌اند. بدون شک، این انتخاب، بی‌اساس نبوده چرا که هم اسلام و هم مسیحیت از مبانی و مباحث کلامی جدی و نیرومندی بهره می‌برند و نیز دارای فرهنگ و تاریخ عقلانی گسترده‌ای هستند. در جستار حاضر، بر آنیم تا به نقد و بررسی کتاب «فلسفه اندیشه دینی» بپردازیم و با توجه به محتوا، ساختار، مفاهیم مطرح‌شده و روش به کار گرفته‌شده در این اثر، برخی از مباحث کلیدی آن را مورد ارزیابی قرار دهیم.

واژگان کلیدی:

اسلام، مسیحیت، فلسفه، کلام، دین، پژوهش تطبیقی، گارده و قنواتی

۱. مقدمه

امروزه ضرورت تأمل در مسائل و مفاهیم مشترک میان ادیان و مذاهب مختلف برای برقراری گفت‌وگوهای علمی و دینی، امری است که کمتر پژوهشگری در حوزه‌ی دین و کلام نسبت به آن بی‌توجه باشد. اسلام و مسیحیت که از فرهنگ و عقلانیت دینی گسترده‌ای در طول تاریخ برخوردار بوده‌اند در مسائل مختلفی با یکدیگر گفت‌وگو کرده و از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند. این گفت‌وگوی دینی و کلامی اساساً بر پایه‌ی اشتراکات عقیدتی‌شان در باورهای دینی و اعتقادی بوده است: اینکه خداوند حی قیوم است، خداوند خالق آسمان و زمین است، خداوند دارای صفات مختلف

^۱ استادیار گروه ادیان و فلسفه، دانشگاه کاشان، hasan.ahmadizade@gmail.com

سلبی و ایجابی است و بسیاری از دیگر باورهای عقیدتی مشترک میان اسلام و مسیحیت. این دو فرهنگ و تمدن اسلامی و مسیحی بارها به یکدیگر نزدیک شده‌اند و از یکدیگر کمک گرفته‌اند که مهم‌ترین آنها را می‌توان در نهضت ترجمه‌ی منابع یونانی به زبان عربی و سپس نهضت ترجمه‌ی متون از ترجمه‌های عربی به زبان لاتینی دانست (گارده و قنواتی، ۱۳۹۶، ۱۹).

کتاب ارزشمند «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت» نوشته‌ی لوئی گارده و ژرژ قنواتی، در زمره‌ی آثار پژوهشی تطبیقی در حوزه‌ی کلام و الهیات مسیحی و اسلامی است که در جستار حاضر بخش‌هایی از آن را مورد ارزیابی ساختاری و محتوایی قرار خواهیم داد. نویسندگان این اثر در ابتدای آن، از امکان گفت‌وگوی صمیمانه میان اسلام و مسیحیت سخن به میان آورده و بر این باورند که «برآئیم تا بفهمیم و مقایسه کنیم، نه دشمنی و مناقشه کنیم» (همان، ۲۰). بدون تردید، این هدف، یکی از مهم‌ترین اهداف و دغدغه‌های پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه و کلام است و اساساً در اخلاق پژوهش‌های تطبیقی، فهم دقیق و منصفانه‌ی دو دیدگاه یا دو مکتب مختلف، از اصول اخلاقی پژوهش تطبیقی به شمار می‌آید (Smid, 2009, 54). از این رو پیش از هر گونه داوری نسبت به باورها و اصول کلامی و الهیاتی اسلام و مسیحیت، ابتدا باید فهم درستی از متون و مبانی آنها داشته باشیم. این امر، نویسندگان این اثر را بر آن داشته تا اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت را از در سه گام مورد توجه قرار دهند: ۱) نقل نصوص اساسی از متون معتبر ۲) تحلیل آنها و ۳) ارزیابی آنها. (گارده و قنواتی، ۱۳۹۶، ۲۱).

کتاب «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت»، نه تاریخ الهیات و کلام اسلامی و الهیات مسیحی است و نه تاریخ مسائل گسترده‌ی آنها، اما با وجود این، به هر دو بحث توجه دارد. نویسندگان این اثر بیشتر بر آن بوده‌اند تا شیوه تفکر دینی در طرح و حل مسائل خود را مورد تبیین و بررسی قرار دهند. از این جهت، به اسلام و مسیحیت، به طور یکسان، توجه نموده‌اند و البته بیش از خود این مسائل و محتوای عقلانی و نقلی آنها، به چگونگی نگرش نسبت به آنها توجه شده است. این کتاب در اصل، نخستین بار در سال ۱۹۴۸م به زبان فرانسه منتشر گردید. در آن زمان هنوز بسیاری از منابع کلامی و الهیاتی اسلامی منتشر نشده بود. از این رو نویسندگان این کتاب، بخش قابل توجهی از پژوهش خود را با مطالعه نسخ خطی به انجام رساندند. مترجم این اثر به زبان فارسی، آن را از ترجمه‌ی عربی کتاب، به فارسی ترجمه کرده است و اذعان دارد که مترجمان اصل کتاب به عربی از اساتید مبرز در این حوزه هستند: صبحی صالح که ادیب نامدار لبنانی است و فرید جبر که او نیز اهل لبنان بوده و در حوزه‌ی فلسفه و دین دارای تخصص و تحصیلات عالی بوده است (همان، ۲۳). مترجم فارسی نیز که خود، دارای تحصیلات عالی در این حوزه است، برای ترجمه‌ی این کتاب، هم از متون عربی بهره گرفته و هم از برخی متون تألیفی و ترجمه‌ای در زبان فارسی که از منابع دست اول در خصوص الهیات و کلام اسلامی و مسیحی به شمار می‌آیند. بنابراین، ترجمه‌ی فارسی این اثر، ترجمه‌ای است از ترجمه‌ی کتاب

به زبان عربی. از این رو، فهم دقیق مقصود نویسندگان این کتاب تا اندازه‌ای دشوار خواهد بود، چرا که در طول زمان، هم در زبان‌های مبدأ و مقصد ترجمه‌ها تغییراتی به وجود می‌آید و هم در روش و نوع ترجمه‌ها (مارنبن، ۱۳۹۳، ۸۰). در جستار حاضر، تلاش خواهیم کرد تا این اثر ارزشمند را از جنبه‌های مختلف صوری، ساختاری، محتوایی و روشی مورد توجه و ارزیابی قرار دهیم. البته، پر واضح است که نقد و بررسی همه‌ی بخش‌های این کتاب که به لحاظ کمی و کیفی، گسترده‌تر از آثار مشابه آن است، در این جستار نمی‌گنجد. از این رو، تلاش خواهیم کرد تا پس از نگاهی کلی به این کتاب، به ارزیابی بخش‌هایی از آن بپردازیم.

۲. علت انتخاب اثر

کتاب «فلسفه اندیشه دینی»، یکی از آثار پژوهشی ارزشمند در حوزه‌ی الهیات و کلام تطبیقی می‌باشد که تاکنون منتشر شده و با استقبال خوبی از سوی پژوهشگران این حوزه مواجه شده است. علاوه بر این، نویسندگان این اثر، اندیشمندانی غیر مسلمان هستند که در کشورهای اسلامی زیست و تحصیلات نداشته‌اند. از این رو، توجه به نوشته‌ها و تحلیل‌های ایشان از اسلام و مسیحیت می‌تواند تا اندازه‌ای دقت ما را در انجام پژوهش‌های تطبیقی تحت تأثیر قرار دهد چرا که در این اثر، با نویسندگانی مواجه هستیم که خود، در سنت غیر اسلامی زیست کرده‌اند و مطالعه‌ی این اثر می‌تواند انصاف یا عدم انصاف و نیز دقت و وسعت نظرگاه الهیاتی ایشان را به ما نشان دهد. از سوی دیگر، تلاش برای ایجاد هم‌افقی و هم‌سخنی میان فرهنگ‌ها و سنت‌های دینی، بر اساس مشترکات فلسفی و کلامی، امری است که امروزه بیش از پیش، باید مورد توجه قرار گیرد. از این رو، فلسفه‌ی اندیشه‌ی دینی، می‌تواند برای رسیدن به این هدف، رهنمون خوبی برای پژوهش‌گران مسلمان و مسیحی به شمار آید. در نهایت، نویسنده‌ی جستار حاضر، خود، سال‌هاست که در حوزه‌ی فلسفه و الهیات تطبیقی مطالعه و پژوهش می‌کند و نقد و بررسی این کتاب را برای علاقه‌مندان به این حوزه، مثمر ثمر دانسته است.

۳. نگاهی اجمالی به شخصیت، تفکرات و آثار فلسفی نویسندگان

ژرژ قنواتی و لوئی گارده، هر دو از کشیشان کاتولیک هستند که علاوه بر زبان فرانسه، به زبان عربی نیز می‌نگاشتند. این دو اندیشمند، پژوهش‌های مختلفی در خصوص اندیشه‌ها و آراء متفکران و مکاتب مختلف در اسلام و مسیحیت داشته‌اند که برخی از پژوهش‌های آنها به فارسی نیز ترجمه شده است. به عنوان نمونه، ژرژ قنواتی درباره یکی از آثار فخرالدین رازی موسوم به *لوامع البینات فی الاسماء و الصفات*، پژوهشی انجام داده که توسط آقای اسماعیل سعادت به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۶۵ در مجله معارف منتشر گردیده است. قنواتی در این پژوهش، رازی را برخوردار از ذهنی آرام و موشکافانه و دارای دیدگاهی ممتاز در دین و مذهب معرفی می‌کند و این اثر رازی یعنی *لوامع البینات* را

نسبت به اثری مشابه آن که توسط غزالی نوشته شده (المقصد الاسنی فی شرح اسماء الحسنی)، از عمق و دقت بیشتری برخوردار می‌داند (قنواتی، ۱۳۶۵، ۲). همچنین لوئی گارده نیز در حوزه‌ی اسلام‌شناسی پژوهش‌هایی منتشر کرده از جمله کتابی با عنوان «اسلام، دیروز-فردا»، که در سال ۱۳۷۱ با ترجمه‌ی آقای محمد علی اخوان به چاپ رسیده است. از گارده، همچنین، پژوهشی با عنوان «ایمان در سنت» توسط آقای کامران فانی به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۷۹ در مجله کیان منتشر شده است. لوئی گارده ارتباط نزدیکی با ماسینیون، شرق‌شناس و اسلام‌شناس فرانسوی در قرن بیستم، داشت و در اسلام‌شناسی متأثر از آراء و پژوهش‌های او بود. گارده خودش را فیلسوف مسیحی‌ای می‌دانست که دغدغه‌های فرهنگی دارد به‌ویژه در حوزه‌ی مسائل مرتبط با اسلام. یکی از آثار ارزشمند او در این زمینه، *Islam's Men, Mentality of Approaches* است که در فرانسه با استقبال خوبی از سوی علاقه‌مندان به الهیات و فرهنگ اسلامی مواجه گردید. همچنین او تا اندازه‌ای به تفکرات تومیستی نیز گرایش داشت اما بیشتر پژوهش‌های وی در حوزه‌ی اسلام‌شناسی بود. او همچنین به پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه نیز علاقه داشت و مدتی در تولوز، فلسفه تطبیقی تدریس می‌کرد. گارده به خاطر دغدغه‌های اسلام‌شناسانه‌ای که داشت سفرهای مختلفی به برخی کشورهای عربی و نیز به ایران داشته است و حاصل این سفرها پژوهش‌های ارزشمندی در خصوص فلسفه، عرفان و الهیات اسلامی بوده است. از مهم‌ترین پژوهش‌های عرفانی وی که با همکاری ژرژ قنواتی منتشر نموده است می‌توان به *عرفان اسلامی: ابعاد، گرایش‌ها، تجارب و فنون* اشاره کرد که در سال ۱۹۶۱ میلادی منتشر شده است. قنواتی نیز متأثر از گارده بوده و آثار مختلفی از ابن سینا را تصحیح نموده است. به عنوان نمونه می‌توان به تصحیح کتاب *شفا و الحکمه المشرقیه* اشاره نمود و علاوه بر این، وی برخی از آثار ابن رشد مانند *تهافت التهافت* را نیز تصحیح نموده است. همچنین مقالات مختلفی از قنواتی در خصوص مباحث مربوط به دین و اسلام و الهیات منتشر شده است. به عنوان نمونه، مقاله‌ای از وی به زبان عربی با عنوان «معنی التراث العلمی الاسلامی للعالم الاسلامی المعاصر» در مجله‌ی *العلم و المجتمع* در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. قنواتی علاوه بر زبان عربی، به زبان فرانسه و آلمانی نیز مسلط بود و نیز علاوه بر فلسفه و الهیات، طبیعیات و طب قدیم نیز علاقه داشت چنانکه پژوهش‌هایی در این زمینه نیز منتشر نموده است. به عنوان نمونه، می‌توان به *تاریخ داروسازی و گیاهان دارویی در دوران قدیم و میانه* اشاره نمود که در سال ۱۹۹۶ میلادی منتشر شده است. چنانچه ملاحظه می‌شود هم گارده و هم قنواتی، بیشتر پژوهش‌ها و آثار علمی خود را به اسلام‌شناسی به‌ویژه فلسفه و الهیات اسلامی از دیرباز تا کنون اختصاص داده‌اند و خود را در زمره‌ی شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان مطرح و مؤثر نشان داده‌اند. این دو اندیشمند بر این باور بودند که می‌توان گفت‌وگوهایی مؤثر و تمدن‌ساز میان اسلام و مسیحیت برقرار نمود و برای این امر باید از مشترکات دینی و الهیاتی این دو دین بهره گرفت، مشترکاتی مانند یگانگی خداوند، صفات کمالیه‌ی مختلفی که در متون اسلامی و مسیحی به خداوند نسبت داده می‌شود، نبوت، پرستش و حقوق الهی و انسانی. از منظر این دو متفکر، اسلام و مسیحیت در زمان‌ها و مکان‌های مختلفی به یکدیگر نزدیک شده‌اند که آثار پژوهشی متعددی در

این زمینه نگاشته شده که حاکی از تحقق همین دغدغه می‌باشد. از این رو، هدف اصلی گارده و قنواتی در پژوهش‌های خود، نه اثبات برتری یک دین بر دین دیگر و یا استفاده از جدل برای اقناع پیروان ادیان مختلف، بلکه نشان دادن امکان قرابت فلسفی و دینی اسلام و مسیحیت است. پر واضح است که این تفکر، اساس علمی و اخلاقی پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه و الهیات می‌باشد. گارده و قنواتی در فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت نیز پژوهشی گسترده بر اساس این طرز تفکر را دنبال نموده‌اند.

۴. «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت» در یک نگاه

متن اصلی کتابی که در این جستار در پی نقد و بررسی آن هستیم، در سه جلد منتشر شده است. جلد اول، که مشتمل بر سه فصل می‌باشد مقدمه‌ای است بر تاریخ علم کلام و گسترش مسائل آن در فرهنگ اسلامی. جلد دوم آن از دو فصل تشکیل شده و به پیدایش الهیات مسیحی و اشتراکات آن با کلام اسلامی اختصاص یافته است. در جلد سوم که آن نیز شامل دو فصل می‌باشد، ماهیت و روش کلام و الهیات مورد توجه قرار گرفته و در نهایت، سخنی درباره‌ی آینده‌ی این دو علم به میان آمده است. نویسندگان این کتاب، بیشتر به روش‌های متکلمان و الهی‌دانان مسیحی و مسلمان در دفاع از آراء و باورهای دینی توجه نموده‌اند و به بیان دیگر، به سبک و سیاق دفاعیه‌پردازی در اسلام و مسیحیت توجه کرده‌اند. گارده و قنواتی در این اثر، بیش از آنکه به تحلیل و بررسی فلسفی و متودیک محتوای باورهای اسلامی و مسیحی بپردازند، به روش‌ها و ساختارهای تفکر دینی در اسلام و مسیحیت توجه نموده‌اند.

در فصل نخست از جلد اول این کتاب، پیدایش کلام اسلامی و زمانه و زمینه‌های آن مورد توجه قرار گرفته است. در این فصل، از پیدایش و گسترش کلام اسلامی در هفت دوره سخن به میان آمده است: دوره پیش از پیدایش علم کلام (توجه مسلمانان صرفاً به متن قرآن)، دوره مواجهه مسلمانان و حکمرانان در نواحی اسلامی با الهیات، دوره مواجهه با فلسفه یونانی و علوم عقلی، دوره سلطه‌ی اشعری‌گرایی و انزوای عقل‌گرایی معتزلی، دوره تفکر انتقادی غزالی، دوره جمود و انحطاط علم کلام اسلامی، دوره تفکر اصلاح‌گرایانه در تفکر دینی و کلامی. اما در فصل دوم از کتاب، گارده و قنواتی به جایگاه علم کلام در میان دیگر علوم اسلامی می‌پردازند. از این رو، در این فصل، دیدگاه‌های مختلف متفکران مسلمان و نیز ارسطو در خصوص طبقه‌بندی علوم مطرح می‌شود و جایگاه علم کلام از دیدگاه ایشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در ادامه، از جایگاه و اهمیت علم کلام در میان متفکران مسیحی چون آباء کلیسا، سنت آگوستین و توماس آکوئینی، سخن به میان می‌آید. در انتهای این فصل، نویسندگان، پیوستی را ارائه می‌کنند که در آن، به اهمیت و جایگاه علم کلام در سنت اسلامی معاصر توجه شده و بر اساس آن، درس‌هایی در دانشگاه الازهر مصر ارائه شده است. فصل اول و دوم این کتاب در واقع، به نوعی، مقدمه‌ای است برای مطالب اساسی فصل سوم. در این فصل، مسائل و مبانی اصلی کلام اسلامی در طول تاریخ پر فراز و نشیب آن مطرح می‌شود. علاوه بر این، به دیدگاه‌های برخی از

فرقه‌های اسلامی در خصوص مسائل کلامی و اعتقادی و شیوه‌های دفاع آنها از این مسائل و اعتقادات توجه می‌شود. جلد دوم این کتاب با عنوان «علم الهیات مسیحی در ارجاعات آن به اندیشه اسلامی» و مشتمل بر دو فصل می‌باشد. در این جلد، بیشتر به مواجهه اسلام و مسیحیت با یکدیگر توجه شده است. از این‌رو، در فصل اول، از نخستین مواجهه‌های این دو دین و مشکلات پیش روی آنها سخن به میان آمده و نیز از فلسفه یونانی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در هم‌سخنی اسلام و مسیحیت با یکدیگر. در فصل دوم، به مواجهه‌ی علم کلام اسلامی و الهیات مسیحی در قرون دوازدهم و سیزدهم با توجه به فلسفه در آن دوران توجه شده است، فلسفه‌ای که علی‌رغم مخالفت‌ها و موضع‌گیری‌های برخی مکاتب اسلامی در برابر آن، در اندیشه‌های کلامی بسیاری از متکلمان مؤثر واقع شده بود. اما در جلد سوم که آخرین فصل این کتاب می‌باشد، ماهیت و روش علم کلام اسلامی و الهیات مسیحی و مقایسه آنها با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته است. در بخش اول این فصل، از نسبت میان عقل و ایمان در کلام اسلامی و الهیات مسیحی سخن به میان آمده است و در بخش دوم، از منابع فکری و معرفتی متفکران مسلمان و مسیحی در بحث از اعتقادات و باورهای دینی. در پایان این کتاب، نویسندگان در خاتمه‌ای تلاش کرده‌اند تا نگاهی کلی به گذشته و حال کلام و الهیات اسلامی و مسیحی بیاندازند و چشم‌اندازهایی را برای برون‌رفت از برخی دشواری‌های پیش رو ارائه نمایند.

دکتر احمد فؤاد الاهوانی در مقاله‌ای با عنوان «ما يقال عن الاسلام: فلسفه الفکر الدینی بین الاسلام و المسیحیه» بر این باور است که عنوان اصلی این کتاب که در زبان فارسی با عنوان «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت» منتشر شده است، درآمدی به علم کلام اسلامی است. این همان عنوانی است که گارده و قنواتی برای متن اصلی این کتاب به زبان فرانسه قرار داده‌اند. از نظر الاهوانی، تفکر دینی، علم کلام و الهیات، سه حوزه‌ی پژوهشی متفاوتی هستند که نباید با یکدیگر اشتباه شوند و از این‌رو، ترجمه‌ی عنوان این اثر آنگونه که در ترجمه‌ی عربی ملاحظه می‌شود چندان دقیق نیست (الاهوانی، ۱۳۸۹ق، ۲۰۳). از آنجا که این کتاب، پژوهشی تطبیقی در حوزه‌ی کلام و الهیات مسیحی و اسلامی به شمار می‌رود، در ادامه‌ی جستار حاضر، نخست به برخی از ملاحظات روشی و اخلاقی در پژوهش تطبیقی توجه خواهیم نمود و سپس به نقد و بررسی صوری و محتوای کتاب گارده و قنواتی هم از منظر تطبیق و هم از منظر درون‌متنی و برون‌متنی خواهیم پرداخت.

۵. مهم‌ترین اصول متدویک و اخلاقی در پژوهش‌های تطبیقی

امروزه پژوهش‌های تطبیقی به‌ویژه در حوزه‌ی فلسفه، الهیات و کلام، با استقبال بیشتری از سوی پژوهش‌گران مواجه است. این امر متأثر از ترویج باور به امکان هم‌سخنی و هم‌افقی میان سنت‌های فکری مختلف است که البته بحث در امکان یا عدم امکان آن، خود، مجال وسیع و پژوهشی مستقل می‌طلبد (داوری، ۱۳۸۳، ۲۱). در اینجا در پی مطرح کردن بحثی گسترده و جامع در خصوص تطبیق و دیدگاه‌های مختلف درباره‌ی امکان یا عدم امکان آن در فلسفه و الهیات

نیستیم، بلکه به اختصار، نگاهی خواهیم انداخت به مهم‌ترین اصول روش‌شناختی و اخلاقی در این حوزه تا با توجه به آنها، نقد و بررسی کتاب گارده و قنواتی را با تأمل بهتری دنبال کنیم. از این‌رو، پرسش اصلی این است که پژوهشگری که در حوزه‌ی فلسفه و الهیات تطبیقی گام برمی‌دارد چه نکاتی را باید رعایت کند و چه معیارهایی را باید برای انجام فعالیت تطبیقی‌اش در نظر گیرد؟

اولین اصل اخلاقی در فلسفه و الهیات تطبیقی، تسامح است، بدین معنی که طرف مقابل را دارای اندیشه‌ی قابل بررسی و برخوردار از نوعی نگاه به حقیقت یا تبیینی از حقیقت در شرایطی متفاوت بدانیم. اگر تسامح نباشد گفت‌وگو و در نتیجه، فلسفه و الهیات تطبیقی امکان نخواهد داشت (Bloscker, 1991, 32). دومین اصل، صداقت است یعنی آنچه را که حقیقت است و واقعاً دیدگاه طرف مقابل است بیان کنیم نه اینکه صرفاً دیدگاه‌هایی را مطرح کنیم که خوشایند مبنای و رویکرد ما باشد. از این‌رو، برخی توجه به اصول هرمنوتیکی را در مواجهه با متون و دیدگاه‌های طرف مقابل ضروری دانسته‌اند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۶، ۱۳). همچنین لازم است کسی که در حوزه‌ی فلسفه و الهیات تطبیقی دست به پژوهش می‌زند پیش از هر چیز نسبت به دو فرهنگ یا مکتبی که به بررسی تطبیقی آنها توجه کرده است آگاهی کافی و تسلط جامعی داشته باشد، که این امری است نه چندان سهل و ممکن (Smid, 2009, 55). از آنجا که روز به روز شاهد پیشرفت و توسعه‌ی اندیشه‌های فلسفی و الهیاتی و تغییر و تحول آنها هستیم به سختی می‌توان در یک یا چند سنت فلسفی مهارت خوبی پیدا کرد و از تسلط کافی نسبت به آموزه‌های فلسفی جدید و رو به گسترش برخوردار بود. اصول و نکات مختلف دیگری را نیز می‌توان بیان نمود اما در این جستار به این موارد اندک بسنده می‌کنیم تا از توجه به محور اصلی پژوهش حاضر دور نمانیم. با مطالعه‌ی کتاب گارده و قنواتی ملاحظه می‌کنیم که این دو ابراز نموده‌اند که در این اثر، تلاش کرده‌اند که در انجام پژوهش تطبیقی میان اسلام و مسیحیت، اخلاق پژوهش به‌ویژه دو اصل نام‌برده یعنی تسامح و صداقت را رعایت کنند و از هر گونه پیش‌داوری و ارزیابی مبتنی بر نگرش‌های شخصی اجتناب ورزند. در ادامه ملاحظه خواهیم نمود که گارده و قنواتی در این اثر، تا چه اندازه به این ادعای خود وفادار مانده‌اند و به تطبیق منصفانه میان اسلام و مسیحیت پرداخته‌اند.

۶. ارزیابی ساختار صوری اثر

در ارزیابی ساختار ظاهری یا صوری کتاب «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت»، در برابر ساختار محتوایی آن، هم به امتیازات و نقاط قوت این اثر توجه خواهیم نمود و هم به پاره‌ای کاستی‌های آن. پر واضح است که نکات پیش‌رو در خصوص ترجمه‌ی فارسی این کتاب است که توسط آقای احسان موسوی خلخالی ترجمه و از سوی انتشارات حکمت به چاپ رسیده است.

-کیفیت چاپی و شکلی اثر، از مهم‌ترین امتیازات آن می‌باشد، چرا که در چاپ این اثر، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی و طرح جلد، به نحو مطلوبی صورت گرفته، البته حروف‌نگاری آن بهتر و جذاب‌تر از طرح جلد و صفحه‌آرایی به نظر می‌رسد.

-قواعد نگارشی و ویرایشی در این اثر به خوبی انجام گرفته و از این جهت، مشخص است که مترجم و ویراستار محترم این کتاب، نهایت دقت را در مطالعه‌ی آن داشته و تلاش کرده تا با رعایت قواعد نگارشی و ویرایشی، اثری قابل فهم برای مخاطب، ارائه کند.

-برجسته نشان دادن یا به اصطلاح، بُلد کردن همه‌ی عناوینی که در کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند. همچنین استفاده از تکنیک شماره‌گذاری برای متمایز ساختن عناوین و موضوعات اصلی از عناوین و موضوعات فرعی نیز از امتیازات صوری و نگارشی این کتاب می‌باشد.

-ارائه‌ی نمایه در صفحات انتهایی کتاب، هم برای افراد و واژگان کلیدی و هم برای آثار و کتب اندیشمندان مسلمان و مسیحی.

-بیان جمع‌بندی در پایان هر فصل، که این امر باعث می‌شود تا از یک سو، خواننده تصویری کلی از سیر مباحث مطرح در آن فصل را در ذهن خود داشته باشد و از سوی دیگر، کسانی که در صدد مطالعه‌ی همه‌ی مطالب کتاب نیستند با خواندن مطالب بیان شده در جمع‌بندی، به رئوس مطالب در فصل‌های مختلف کتاب واقف می‌شوند.

۵-۲- کاستی‌های ظاهری و شکلی

-نبودن جنبه‌های بصری و هنری در این اثر، مسئله‌ای است که در بسیاری از دیگر آثار الهیاتی و فلسفی نیز مشاهده می‌شود. البته ممکن است گفته شود که مباحث فلسفی و الهیاتی از سنخ مباحثی نیستند که بتوان آنها را با تصاویری مناسب، برای خواننده جذاب نمود. با وجود این، به نظر می‌رسد می‌توان از شیوه‌های نوین در نگارش و چاپ آثار فلسفی و الهیاتی بهره برد تا دست‌کم، مخاطب در نگاه اول، احساس خوبی نسبت به کتاب پیدا کرده و برای مطالعه‌ی آن رغبت پیدا کند. به عنوان نمونه در طرح جلد این اثر، هرچند از نگاره‌ای سنتی و ساده استفاده شده است اما چندان نظر مخاطب را برای مطالعه‌ی آن جذب نمی‌کند، به‌ویژه مخاطبی را که چندین نسل پس از دوره‌ی زندگی می‌کند که از دوره‌ی حیات نویسندگان این اثر فاصله دارد. امروزه برای جذب مخاطبان نسل جدید به سوی آثاری از این دست، لازم است تا از جنبه‌های هنری و بصری جذاب نیز بهره گرفته شود.

-عدم روانی ترجمه در برخی از فصل‌ها به‌ویژه در مواردی که مطلبی کلیدی بیان می‌شود. همچنین مترجم در مواردی باید برای برخی اصطلاحات، اصل آن اصلاح هم به عربی و هم به فرانسه را در پاورقی بیان می‌کرد اما چنین نکرده است.

-اگر چه در پاورقی، توضیحات لازم برای منابع مختلف اسلامی و مسیحی این کتاب بیان شده اما بهتر بود در پایان این کتاب، به طور جداگانه، صفحاتی به ارائه‌ی فهرستی از منابع به کار رفته در این کتاب، اختصاص داده می‌شد و در آن، به طور جداگانه، مشخصات کتاب‌شناختی منابع اسلامی و منابع مسیحی ارائه می‌شد.

-اصل کتاب در سه جلد منتشر شده است. بهتر بود ناشر و مترجم محترم کتاب در زبان فارسی نیز این اثر را در سه جلد جداگانه منتشر می‌نمودند. در این صورت، رغبت مخاطبان برای تهیه و مطالعه این کتاب بیشتر می‌گردید و نیز استفاده‌ی این کتاب به عنوان منبع اصلی یا فرعی در کلاس‌های مرتبط با فلسفه و الهیات مسیحی و اسلامی، در دانشگاه‌ها امکان‌پذیرتر می‌شد.

۷. ارزیابی متدولوژیک و محتوایی اثر

-در ابتدای کتاب، نویسندگان مطالبی را در خصوص ضرورت و جایگاه فلسفه و الهیات تطبیقی مطرح می‌کنند و از «شرط‌های یک هم‌سخنی» و «علم عقاید تطبیقی» سخن به میان می‌آورند (گارده و قنواتی، ۱۳۹۶، ۴۵-۴۱). توجه به این امر، یکی از محاسن کتاب به شمار می‌آید اما بهتر بود که بحث از ضرورت، اصول و روش‌های پژوهش در الهیات و فلسفه تطبیقی، به نحوی دقیق‌تر و با ساختاری علمی‌تر بیان می‌شد و در آن، از امکان هم‌سخنی میان دو سنت اسلامی و مسیحی، بر اساس روش‌های نوین در حوزه‌ی تطبیق، به‌ویژه روش‌های هرمنوتیکی، سخن به میان می‌آمد. همچنین در این بخش از کتاب که به ضرورت تطبیق میان اسلام و مسیحیت توجه شده است، به هم‌سخنی میان فرهنگ غربی و فرهنگ «عربی اسلامی» (همان، ۴۱) اشاره شده است که به نظر می‌رسد استفاده از تعبیر «عربی اسلامی» در اینجا متأثر از رویکرد کلی شرق‌شناسان غربی به متفکران مسلمان باشد که بر عربی بودن فرهنگ و فلسفه اسلامی تأکید می‌ورزند.

-پیش از این گفتیم که صداقت و امانت‌داری، یکی از مهم‌ترین اصول پژوهش‌های تطبیقی در فلسفه و الهیات است. از این جهت، گارده و قنواتی تلاش کرده‌اند تا در نقل قول‌ها و ارائه‌ی دیدگاه‌های مکاتب مختلف اسلامی و مسیحی، صداقت و امانت‌داری و نیز انصاف در تحلیل و بیان مطالب را رعایت نمایند. نویسندگان به صراحت بیان می‌کنند که در این کتاب، اساساً در پی داوری آراء و مبانی و مسائل مطرح در اسلام و مسیحیت نبوده‌اند (همان، ۴۶) مگر در چارچوب خود اسلام و مسیحیت. اما علی‌رغم تلاش و دقت گارده و قنواتی برای ارائه‌ی مطالب به نحو منصفانه و به

دور از داوری شخصی، به نظر می‌رسد که در نهایت، الهیات و تفکر مسیحیت را به نوعی، برتر از الهیات اسلامی دانسته‌اند.

-ترجمه‌ی فارسی این کتاب، چنانکه مترجم محترم بیان داشته است، بر اساس ترجمه‌ی عربی آن است. ترجمه‌ی عربی کتاب را دو مترجم بر عهده داشته‌اند و بدون شک، در موارد مختلفی روش و رویکرد آن دو در ترجمه، متفاوت بوده است و این تفاوت در ترجمه‌ی مترجمان عربی، تا اندازه‌ای به ترجمه‌ی فارسی نیز سرایت کرده و فهم مطالب کتاب و منظور نویسندگان را در مواردی با دشواری جدی مواجه ساخته است. البته در زمان ترجمه‌ی کتاب به زبان فارسی، متن اصلی آن در دسترس مترجم نبوده و ترجمه‌ی عربی که همراه با حواشی و توضیحاتی بوده، موثق دانسته شده بوده اما بهتر است که در چاپ‌های بعدی این اثر به زبان فارسی، اولاً متن اصلی یافت شود و بر اساس آن، دقت بیشتری در ترجمه فارسی صورت گیرد و ثانیاً حواشی و توضیحات جامع‌تری در پاورقی و یا انتهای ترجمه‌ی فارسی، از سوی مترجم فارسی افزوده شود.

-گارده و قنواتی در این کتاب، مباحثی که از اسلام و تفکر و الهیات اسلامی مطرح کرده‌اند، بیشتر بر اساس متون و پژوهش‌های مرتبط با اهل سنت است. این نیز تا اندازه‌ای به خاطر نوع نگاه و رویکرد مستشرقان غربی به اسلام و سنت فکری آن است که چندان به تفکر و فلسفه و الهیات اسلامی در شاخه‌ی شیعی و ایرانی آن، توجه نکرده‌اند. از سوی دیگر، در زمانی که گارده و قنواتی به نگارش این کتاب مشغول بودند، منابع اندکی از اسلام شیعی و ایرانی به زبان‌های اروپایی ترجمه شده بود و نیز پژوهش‌چندانی از سوی متفکران غربی در این خصوص صورت نگرفته بود که این نیز تا اندازه‌ای متأثر از نوع نگاه ایشان به شیعه است و تا اندازه‌ای به خاطر عدم تلاش جدی پژوهش‌گران ایرانی و متفکران شیعی مسلک برای ترجمه و ارائه‌ی تفکرات و آثار متفکران شیعی به زبان‌های اروپایی بوده و هست.

-اگر چه این کتاب، به مقایسه‌ی میان کلام و الهیات اسلام و مسیحیت اختصاص یافته است اما نویسندگان آن، همه‌ی مکاتب و مذاهب اسلامی و مسیحی را مورد توجه قرار نداده‌اند. در این کتاب، از کلام اشاعره سخن به میان آمده اما مطلب مفصل و جامعی در خصوص مکاتبی چون زیدیه و اسماعیلیه و معتزله به چشم نمی‌آید. این در حالی است که خود قنواتی بخش ششم از کتاب قاضی عبد الجبار معتزلی که درباره‌ی اراده بحث می‌کند، تصحیح و منتشر کرده است و او به خوبی می‌دانسته که کتاب حجیم عبد الجبار معتزلی، که بیست مجلد را در بر می‌گیرد، منبع بسیار ارزشمندی برای تأمل در آراء معتزله از ابتدای شکل‌گیری آنها تا قرن پنجم هجری می‌باشد. همچنین در این کتاب صرفاً به الهیات مسیحی کاتولیک توجه شده است اما از دیگر فرقه‌های مسیحی مانند پروتستان و ارتدوکس سخنی به میان نیامده است. گارده و قنواتی اگر چه خود را کاتولیک و طرفدار اندیشه‌های توماس آکوئینی می‌دانند اما در این کتاب، از توماس و تأثیر اندیشه‌های وی بر مسیحیت قرون وسطی و پس از آن، مطلبی بیان نکرده‌اند.

-نویسندگان در بخشی از این کتاب، به جایگاه عقل در علم کلام و الهیات مسیحی پرداخته‌اند و البته بیشتر، از دیدگاه اشاعره سخن به میان آورده‌اند (همان، ۶۰۶-۶۰۵). این بحث، در کنار بحث از نسبت میان عقل و ایمان، و نیز بحث از حد و مرزهای قوای شناختی انسان (ژیلسون، ۱۳۶۶، ۳۹۶) یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث کلام و فلسفه دین بوده و هست و توجه نویسندگان به این موضوع، از محاسن کتاب آنهاست. اما بهتر بود پیش از پرداختن به اصل بحث و بیان دیدگاه‌های اسلامی و مسیحی، ابتدا در خصوص خود عقل و معانی و کارکردهای مختلف آن سخن به میان می‌آوردند تا پس از آن ملاحظه کنند که کدام عقل و یا عقل در کدام معنی و کارکرد خود با دین سازگار و یا حتی ناسازگار است و یا اینکه کدام عقل است که بدون نظر و تکلیف شرعی، قادر به تأمل در متن دین و دستیابی به معرفت خداوند نیست.

-نویسندگان «فلسفه اندیشه دینی» در این کتاب ادعا کرده‌اند که علم کلام اسلامی متأثر از جدل مسیحی بوده است. اما تا جایی که نگارنده جستجو نموده، اثبات این امر چندان آسان نیست و نیاز به دقت و پژوهش گسترده‌ای در این خصوص هست. همچنین نویسندگان مدعی شده‌اند که علم نحو و دستور زبان عربی متأثر از دستور زبان یونانی است در حالی که تفاوت‌های زبانی متعددی میان زبان عربی و زبان یونانی وجود دارد.

-نویسندگان در بخش جمع‌بندی کلی، در انتهای کتاب، بر این باورند که در سنت اسلامی معاصر، پس از آثار محمد عبده به‌ویژه کتاب رساله التوحید، کتاب مهمی در علم کلام اسلامی نگاشته نشده است. این در حالی است که از زمان انتشار کتاب گارده و قنوتی به زبان فرانسه در سال ۱۹۴۸ تا کنون، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی در میان متفکران مسلمان مطرح شده که علم کلام را در برخی مسائل آن با تحلیل‌های متفاوت و بعضاً دشواری مواجه ساخته و حتی برخی مسائل جدید نیز در علم کلام مطرح شده که پیش‌تر به آنها توجه نمی‌شد، مسائلی چون زبان دین، ارتباط الهیات و اخلاق و توجه به مباحث روش‌شناسانه در کلام و الهیات.

-گارده و قنوتی به دو رویکرد درباره‌ی علم کلام اسلامی در آینده اشاره می‌کنند: یکی بر کنار گذاشتن یکسره‌ی علم کلام در سیاق سنتی آن تأکید دارد و دیگری بر احیاء آن با توجه به روش‌ها و رویکردهای نوین در پژوهش‌های کلامی، فلسفی و علمی (همان، ۷۴۹). به نظر می‌رسد نویسندگان این کتاب، خود را متمایل به رویکرد دوم نشان می‌دهند و احیاکنندگان کلام اسلامی را ارج می‌نهند اما از سویی دیگر، عباراتی بیان می‌کنند که بیشتر به رویکرد نخست و تأکید آنها بر مفید نبودن مباحث علم کلام در سیاق سنتی آن برای دغدغه‌ها و پرسش‌های انسان معاصر نزدیک است: «به نظر ما انتشار آثار پیشوایان اشعری‌ای مانند باقلانی و امام الحرمین و فخر رازی می‌تواند بیش از هر چیز عامل ائتلاف متشرکندگان این آثار شود... اما آیا این همه، مایه‌ی نوسازی علم کلام خواهد شد؟... واقعیت این است که نتیجه‌ی این کار در نهایت، تدوین تاریخ علم کلام خواهد بود...» (همان، ۷۴۹).

چنانکه بیان شد پژوهش‌های تطبیقی در حوزه‌ی الهیات و فلسفه امروزه به مثابه مسیری تئوریک و بنیادی برای ایجاد هم‌سخنی میان فرهنگ‌های مختلف تلقی می‌شود. لوئی گارده و ژرژ قنواتی، از جمله اندیشمندانی هستند که در این مسیر، گام‌های مهم و ارزشمندی را برداشته و به نگاشتن مقالات و کتب مختلفی در خصوص الهیات و کلام اسلامی و مسیحی روی آورده‌اند. کتاب «فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت» از مهم‌ترین پژوهش‌های ایشان در این حوزه می‌باشد که در جستار حاضر، پس از نگاهی اجمالی به آن، به نقد و بررسی صوری و محتوایی آن، البته نه هم‌هی بخش‌ها و مطالب آن، پرداختیم. اگر چه این اثر در زمانی در فرانسه منتشر شده که نویسندگان آن، دسترسی به بسیاری از منابع اسلامی، به‌ویژه منابع فکری و کلامی شیعی، نداشته‌اند، اما اولاً در نوع خود، این اثر، پژوهشی ارزشمند است و قابلیت آن را دارد که برای برخی از دروس دانشگاهی در رشته‌های فلسفه و کلام و ادیان، به عنوان منبع درسی معرفی گردد. ثانیاً مترجم فارسی‌زبان می‌تواند در نسخه‌های بعدی که از این کتاب منتشر می‌شود، با استفاده از برخی توضیحات تکمیلی در پاورقی یا در پایان کتاب، به محتوای آن، غنای بیشتری ببخشد. همچنین انتشار این کتاب به صورت سه جلد متمایز از یکدیگر، نه در قالب یک جلد، می‌تواند بهره‌مندی بیشتری برای مخاطبان و علاقه‌مندان به این حوزه داشته باشد. به طور کلی، این کتاب و آثار مشابه آن، هنوز در ابتدای مسیری است که در دوران معاصر، برای ایجاد هم‌سخنی میان اسلام و مسیحیت در نظر گرفته شده است و چنانکه نویسندگان این کتاب نیز اشاره نموده‌اند، با تکیه بر مشترکات دینی و فلسفی می‌توان نظامی از باورهای کلامی و الهیاتی را شکل داد که بر اساس آن، قرابت میان اسلام و مسیحیت، امکان‌پذیرتر گردد. بدون تردید، در این میان، اختلاف نظرهای مختلفی را در مبان و مسائل و رویکردها شاهد خواهیم بود اما این اختلاف نظرها نباید پژوهش‌گران را از انصاف و صداقت در پژوهش‌های تطبیقی الهیاتی دور سازد بلکه باید زمینه‌ی فهم بهتر و دقیق‌تر دیدگاه‌های مختلف، به دور از پیش‌داوری، گردد.

فهرست منابع:

الأهوانی، أحمد فؤاد، ۱۳۸۹ق، *ما يقال عن الاسلام: فلسفه الفكر الدینی بین الاسلام و المسيحيه*، مجله‌ی الأزهر، السنه الحادیه و الاربعون، الجزء ۲.

گارده، لوئی و قنواتی، ژرژ، ۱۳۹۶، *فلسفه اندیشه دینی در اسلام و مسیحیت*، ترجمه‌ی احسان موسوی خلخالی، تهران، انتشارات حکمت.

قنواتی، ژرژ، ۱۳۶۵، *رساله‌ی اسماء الله فخر رازی*، مجله‌ی معارف، دوره‌ی سوم، شماره‌ی یک

داوری اردکانی، رضا: ۱۳۸۳، *فلسفه‌ی تطبیقی*، چاپ اول، تهران، نشر ساقی.

آیت اللهی، حمید رضا: ۱۳۸۶، *جستارهایی در فلسفه و دین پژوهی تطبیقی*، قم، انتشارات کتاب طه.

مارتین، جان، ۱۳۹۳، *فلسفه قرون وسطی*، ترجمه ی بهنام اکبری، تهران، انتشارات حکمت.

ژیلسون، اتین، ۱۳۶۶، *روح فلسفه در قرون وسطی*، ترجمه ی ع. داوودی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

Smid, Robert W, 2009, *Methodologies of comparative philosophy : the pragmatist and process traditions*, State University of New York Press.

Blocker, H. Gene, 1991, *World Philosophy: An East-West Comparative Introduction to Philosophy*, Ohio University.

A Survey and Critic of the Book "Introduction á la ThéologieMusulmane, Essai de ThéologieComparée"

Dr. HasanAhmadizade
(Assistance Professor, University of Kashan)

Abstract:

Comparative investigations in the Kalam and theology always have been of methodological importance for researchers in this area. The researchers on this subjects notice to theological and philosophical principles of theologians and philosophers of different traditions and also their methods in philosophy and theology. Luis Gadret and Ghanavati in the book "Introduction á la ThéologieMusulmane, Essai de ThéologieComparée" tried to investigate on the Islamic and Christian Kalam and theology and compare their religious thought. Undoubtedly their comparison between these two religions is on the basis of the similarities between Islam and Christianity in the different theological and philosophical problems. In this article, we will try to survey and critic some of the issues of this book and notice to some of its internal and external problems and critics.

Key Words:

Islam, Christianity, philosophy, Kalam, religion, Comparative Investigation,
Gadret and Ghanavati